

داعش: گذار از راهبرد نظامی به امنیتی

محمد رضا عبدالله پور *

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هجدهم، شماره 3، پیاپی 71، پاییز 1396؛ صفحات 145-165

تاریخ دریافت: 1396/7/03 تاریخ پذیرش نهایی: 1396/08/30

چکیده

فتح موصل در 6 تیر 93 و اعلان دولت بودگی توسط عناصر تکفیری داعش، این گروه را به عنوان یگانه سازمان ترور در دنیا که خواهان دولت بودن است، به جهانیان نشان داد. ساختار سلسله مراتبی این گروه و تشکیل عناصر اداری، سیاسی و نظامی، مدل جدیدی را از یک سازمان غیرقانونی نشان داد که خواهان تشکیلات دولتی است. پس از پایان حیات این سازمان در عراق، به نظر می‌رسد که اگرچه این اندیشه از بعد مادی و سرزمینی شکست خورده است ولی با تعمیق دوقطبی قومی - مذهبی این اندیشه، تغییر ساختار از سلسله مراتبی به شبکه‌ای و از نظامی به امنیتی در آن مشهود است. این تحقیق ضمن تبارشناسی این نحله تروریستی، گذر مذکور را با نگاهی تحلیلی و توصیفی نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی

داعش، تروریسم سلسله مراتبی، تروریسم شبکه‌ای



داعش بر خلاف اسلاف خود همچون القاعده، تنها گروهی است که به رغم جنگهای نامتقارن و اندیشه سیال، خواهان قلمروخواهی و دولت بودگی است. لذا تحلیل این گروه، نگاهی چندبعدی را می‌طلبد. گروه‌های تروریستی در جوامع و ساختارهایی نمود دارند و موفق می‌شوند که از آن ساختارها، به «دولت شکننده» تعبیر می‌شود؛ دولت‌هایی که به گونه‌ای عمیق، تعارض‌آمیز، تقسیم شده، نامن، آلوده به فساد اداری و مبتنی بر سیستم فرقه‌ای و خویشاوند سالاری هستند. (Jabereen, 2013:111) بنابراین داعش با بذل توجه به عناصر فوق و تعمیق شکاف قومی - مذهبی، موفق به تسخیر قلمرو و اندیشه عنصر عرب سنی در عراق و سوریه شد. تناقض نمای حضور و بروز گروه تروریستی داعش و ترکیب سه مؤلفه مذهب، ژئوپلیتیک و ناسیونالیسم در شمال عراق و مناطقی از سوریه با بافت جمعیتی متکثر، باعث تولید نظریه‌های مختلف در خصوص ژئوپلیتیک مذهب، ناسیونالیسم قومی جدید و خلق مفاهیم جدید در این خصوص شده است. در حالی که اعراب سنی تقریباً تمام حس سمپاتیک نسبت به داعش را از خود بروز داده‌اند ولی کردهای سنی مذهب، قومیت را بر مذهب، ترجیح و موجد ناسیونالیسم قومی می‌باشند. از سوی دیگر، تناقض بین قرائت متصلب از اسلام و تعاریف جدید از مفهوم امت یا ملت، باعث آشوب فقهی و سرزمینی در عراق و سوریه شده است. داعش علاوه بر در هم ریختن جغرافیای جمعیتی مزوپوتامیا، باعث تقویت دو قطبی شیعه - سنی و ظهور تعارضات هویتی شده است. گروه تروریستی داعش، تفاوت اندکی از حیث ایدئولوژیکی با سایر گروه‌های رادیکال دارد اما از حیث جغرافیایی، تفاوت عمده‌ای با سایرین دارد به این نحو که درحالی که گروه‌های تروریستی نظیر القاعده، مقید به زمان و مکان هستند، داعش توانسته است خودش را به عنوان یک بازیگر ژئوپلیتیک تعریف کند که تقریباً نواحی مشخصی از دو کشور عراق و سوریه را در کنترل خود دارد و این



مساله در کنار برخورداری از قدرت جذب نیروهای متفرق چریکی و بهره مندی از تشکیلات و ساختار تروریستی در منطقه می‌باشد. ساختار این گروه تروریستی و درنوردیدن زمان و مکان و بازتعریف مفاهیم فقهی و ژئوپلیتیکی مانند سیالیت مرزی و انکار مرزهای جغرافیایی بین کشورعراق و سوریه، نگرشی است که حتی پس از سقوط این گروه نیز در آینده منطقه و عصیت قومیه مذهبی حاکم بر آن باید مورد مذاقه قرار گیرد.

این پژوهش با استفاده از تبار شناسی گروه تروریستی داعش در صدد تنقیح این گروه و ظرفیت‌سازی‌های جدی آن در راستای تغییر الگویی از مرحله نظامی به مرحله امنیتی و تشکیل سلول‌ها و شبکه‌های کوچک ولی گسترده می‌باشد.

ایدئولوژی: گفتمان غیریت ساز داعش و ناسیونالیسم

گفتمان سیاسی، ایدئولوژیک و جغرافیایی داعش، یک گفتمان غیریت‌ساز حتی برای منظومه فکری و اندیشه‌ای اهل تسنن می‌باشد. قرائت باز تجدیدنظرطلبانه از اندیشه‌های تجدیدنظرطلبانه سلفیتی، پارادوکسی را به وجود آورده که موجب تعارضات فراوان در خاورمیانه شده است و می‌توان آن را قرائت «هیتروداکسی سلفیتی» نامید. ایدئولوژی داعش بر پایه ناسیونالیسم قومی و ژئوپلیتیک استوار شده است که می‌تواند با تعمیق در مناطقی از خاورمیانه حتی از خود موجودیت گروه داعش خطرناک‌تر باشد. بازگشت به سنت و عدم تساهل به تنوع دینی، فلسفه اصلی سلفیسم می‌باشد. (HEFEZ, 2016: 19-22) هم‌چنین ایدئولوژی داعش را می‌توان تداوم پان عربیسم نامید چرا که اسلام‌گرایی مطمع نظر داعش به مثابه یک ایدئولوژی فراملی، اساساً در خدمت پان عربیسم است و ناسیونالیسم عرب از همان ابتدا سایر قومیتها را به عنوان دگری خود معرفی کرده است. العدنانی می‌گوید که داعش، گروهی است که پیامبر اسلام، آن را پیش‌بینی کرده‌اند که به منظور مبارزه برای دین راستین تا آخرالزمان بجنگد و شیعیان، بزرگ‌ترین تهدید علیه اهل سنت بوده و از این رو جنگ



علیه شیعیان یک ارجحیت است. (Al-Adnani, January 30, 2013) نبرد علیه رافضی‌ها تنها راه دفاع از حقوق اهل سنت است. (Al-Adnani, June 15, 2013) همچنین یک دلالت ضمنی مبنی بر پاسخگو بودن خلیفه برای بسط قلمرو در نگاه آنها وجود دارد. (Calife, August 28, 2014) اگرچه تأکید اسلام همیشه بر پایه امت و نه ملت بوده است، ولی امروزه و در جوامع خاورمیانه‌ای، تأکید بر مؤلفه قومیت و مذهب، عامل تنش‌های بسیاری شده است. گروه‌های تکفیری بر خلاف نگاه‌های رایج که آنان را منادیان بازگشت به سنت‌های اسلامی می‌دانند، نه قرائتی ارتدکسی بلکه روایتی هیتروداکسی را از اسلام ارایه داده‌اند که در آن، ملی‌گرایی و تکیه بر قوم و مذهب، مستوجب تضادهای حداکثری در خاورمیانه شده است. از سوی دیگر، ژئوپلیتیک، ناسیونالیسم و مذهب، سه عنصر در هم تنیده برای داعش می‌باشند به صورتی که گفتمان مذهبی خود را تبدیل به یک گفتمان ژئوپلیتیکی کرده است. بنابراین می‌توان ظهور داعش و امیال ژئوپلیتیکی آن را در راستای خیزش پان عربیسم تعبیر کرد. (Ardovini, 2015) دیجینگ معتقد است که مذهب و ژئوپلیتیک با یکدیگر در هم آمیخته‌اند و بینش مذهبی در مسیحیت و اسلام به مثابه سرزمین مقدس و جنگ‌های مقدس، جلوه‌ای از یک ویژگی ژئوپلیتیک می‌باشند. (Dijking, 2006:192) خاورمیانه به عنوان نمود این تحول و خیزش اسلامی رادیکال و قلمروخواهی در بستر خود، دائماً همپوشانی مذهبی و ژئوپلیتیکی را با خود به همراه دارد. داعش همچنین با توجه به «فرضیه فضاهای تقسیم شده، نگرش‌های تقسیم شده»، شکاف فضایی را بین اقوام و مذاهب در راستای توسعه ناسیونالیسم دینی خود به وجود آورد. (O'Loughlin, 2013) با این نگاه، ناسیونالیسم، پایگاه اصلی گفتمان‌های ژئوپلیتیکی از طریق سازه‌های قلمرو می‌باشد. از سوی دیگر، بینش مذهبی در مسیحیت و اسلام به عنوان سرزمین مقدس، جنگ مقدس، یک ویژگی مشخص ژئوپلیتیکی را نشان می‌دهد. (Dijking, 2014:192) مالسویچ، هویت را به مثابه یک ایدئولوژی می‌داند. (Malesevic, 2006) از سویی ستیزهای قومی بعدی



مذهبی دارند. بسیاری از اعراب سنی در عراق و سوریه، داعش را بر حکومت علوی و شیعی نزدیک به ایران، ترجیح داده و خطر داعش را کمتر از تسلط دول منطقه‌ای پر قدرت می‌دانند. (Lund, A. 2015) داعش، بیشتر یک پدیده جامعه شناختی است تا یک نیروی نوظهور ژئواستراتژیک. (Brynjar Lia, 2015) ظهور فضای ژئوپلیتیکی آخر الزمانی به یک غیریت نیاز دارد که نه تنها علیه دشمنان خلیفه، بلکه علیه هر مسلمانی است که خود را خارج از مسیر اسلام سنی می‌داند. (KARDAŞ & YEŞİLTAS, 2015:76) در این راستا داعش با تغییر نام مکانها و تمرکز بر مکان‌هایی مانند دابق، نشان داده است که سازه‌های فضایی در راستای تفکر ژئوپلیتیکی آخر الزمانی می‌توانند عمل نمایند. (Mac canty, 2015) بنابراین فرآیند نامگذاری نام‌ها در ترمینولوژی مذهبی برای آنها بسیار مهم و باید با مفاهیم اسلام سستی باز تعریف شوند چرا که این کار، باعث بازخوانش هویت‌های محلی سنی در راستای شریعت سنی می‌باشد. این راهبرد معرفت شناختی تغییر نام‌ها همچنین از منظر هستی‌شناسی، نبرد مشروع را علیه دشمنان داعش توجیه می‌کند. به طور کلی، شاخص‌های اصلی ایدئولوژی داعش حول محور ویژگی‌های زیر استوار است:

- نگرش آخر الزمانی از طریق فضای آنارشیک قومی-مذهبی؛
- رویکرد فراملی گرایانه، قلمروخواهی و اعتقاد به سیالیت سرزمینی؛
- انکار و رد مظاهر سیاسی غرب مانند پدیده دولت - ملت، لیبرالیسم و دموکراسی؛
- تعمیق نگرش ضدیت اسلام و غرب.

روند هویت‌سازی در مناطق تجزیه شده عراق و سوریه در تشدید تنش فرقه‌ای، تأثیری بسیار دارد که این تفرقه فرقه‌ای بر بستر ژئوپلیتیکی منطقه، باعث خلق مفاهیم جدیدی شده است. (اکبری، 1395:18) دشمن‌سازی علیه شیعیان، عامل مشروعیت بخش داعش در عراق و سوریه است که در تمام سخنان آنها مشهود است. از سویی، حکومت شیعی در عراق و علوی در سوریه، پیوستگی‌های عمیقی با ایران دارند لذا گسست ژئوپلیتیکی و شکاف بین این دو حاکمیت، دلیل اصلی

قطع پیوستگی جغرافیایی بین عراق و سوریه بود که با استفاده از ایدئولوژی پان عرب سنی اتفاق افتاد. مضاف بر این موارد می‌توان شاخص‌های اساسی تفکر تکفیری را به طور عام به صورت زیر بیان کرد:

- تقابل ذاتی اسلام و غرب؛
 - نگرش فرجام‌گرایانه از طریق آشوب و تعارض؛
 - تفسیر خاص از قاعده نفی سبیل و اعتقاد خاص به جهاد نظامی؛
 - رویکرد فراملی و فراقلمروی و سیالیت مرزی دار الایمان؛
 - رد و انکار ایدئولوژی عرفی (سوسیالیسم و لیبرل دموکراسی). (اکبری، همان)
- با استناد به ایدئولوژی و تعمیق نگرش غیریت‌ساز داعش می‌توان فرآیند زیر را ترسیم کرد:



ژئوپلیتیک تکفیری

همانطور که عنوان شد داعش، تنها گروه تکفیری خواهان دولت بودگی با داعیه قلمروخواهی مناطقی ویژه در غرب آسیا می‌باشد. بنابراین ظهور و بسط داعش، بعدی ژئوپلیتیکی دارد. پس از فروپاشی ساختار دو قطبی و حمله آمریکا به عراق در سال 2003، شوک‌های ژئوپلیتیکی شدیدی در غرب آسیا و به ویژه منطقه مزوپوتامیا در ذیل سوژه‌های هویتی، فرهنگی، تمدنی و سرزمینی قرار گرفت. این موضوعات جدید در ژئوپلیتیک پست مدرن که آثار فضایی دارند در مباحث گفتمان در ذیل عنوان قلمروسازی گفتمانی، قابل تحلیل می‌باشد به نوعی که

می‌توان گفت اندیشه سلفیسم، متقدم بر ژئوپلیتیک سلفیسم می‌باشد. (عبداله پور، 1396) نکته مهم در قلمروسازی گفتمانی این موضوع است که چگونه اندیشه‌ها و مفروضات ژئوپلیتیک با مفصل‌بندی گفتمان‌های خاص که دارای پیامدهای فضایی هستند با عملیاتی شدن در سپهر سرزمینی، قلمرو سازی ژئوپلیتیکی، هویتی و سرزمینی خود را به منصفه ظهور می‌رسانند. (عبداله پور و قادری، 1394)

رادیکالیزه شدن دگرگونی‌های غرب آسیا در سال‌های پس از جنگ سرد، ماهیتی ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک دارد و این نشانه‌ها را می‌توان در رقابت ساختارهای ژئوپلیتیکی منطقه مشاهده کرد که ریشه در تضادهای مذهبی دارد. متأثر از ژئوپلیتیک پست مدرن می‌توان گفت مبدأ این تضادها در ذیل نشانگان فرهنگی و هویتی قرار دارد. پیدایش گروه‌های تکفیری در غرب آسیا و اثرگذاری آن بر ژئوپلیتیک منطقه از نشانه‌های فرهنگی و هویتی نشات می‌گیرد. بحران جدید در غرب آسیا و نقش گروه‌های سلفی تندرو را می‌توان بازتاب تضادهای هویتی در فرایند رقابت ژئوپلیتیکی سوژه‌ها و ساختارهای ژئوپلیتیکی منطقه دانست. در این فرایند، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، هدف‌های ژئوپلیتیکی خود را با سازو کارهای هویتی پیگیری می‌کنند. البته در دوگانه شیعی و سنی و تقویت شکاف بین این دو مؤلفه، حکومت‌های عرب منطقه با اغراق حداکثری، بسط ژئوپلیتیک شیعه را مطرح می‌کنند. با این تفاسیر، گروه «دولت اسلامی عراق و شام» یا داعش با مفصل‌بندی مجموعه‌ای از گزاره‌های هویتی عنصر عرب سنی، خود را در منطقه غرب آسیا مطرح کرد که برخی ساختارها و عشایر عرب سنی نیز ولو به صورت دوفاکتو آن را تقویت کرده‌اند. داعش که محصول القاعده است در اوت 2014 و به دنبال قلمروسازی ژئوپلیتیک در نواحی مرکزی و شرقی سوریه و هم‌مرز با عراق و کنترل تمام سرزمین شمال دره فرات، اعلام موجودیت کرد در حالی که دیگری برای القاعده، «غرب» می‌باشد. داعش، هدف اصلی خود را حذف عنصر شیعی در منطقه و سپس رویارویی با غرب و اسرائیل می‌داند. ابومصعب زرقاوی از



بنیانگذاران القاعده در عراق، بر این اعتقاد بود که آمریکائیان، شیعیان، کردها و گروه‌های حامی حکومت شیعی در عراق، دشمنان اصلی اعراب سنی و شیعیان، مهم‌ترین دشمن آنها می‌باشند. بنابراین و در این راستا، داعش نیاز به بسط ژئوپلیتیکی و به خصوص دسترسی به قلمرو بین‌النهرین و جغرافیای انرژی و قومی منطقه دارد. همانطور که اشاره شد دیجکینگ بر پیوند میان مذهب و ژئوپلیتیک اشاره می‌کند و واقعیت‌هایی از جنگ‌ها و مکان‌های مقدس را در تاریخ ادیان به نمایش می‌گذارد. به هر حال در دوران مدرن، جوشش ژئوپلیتیک و مذهب غالباً توسط کنشگران غیردولتی و سوژه‌های ژئوپلیتیک صورت می‌گیرد. (عبداله پور و قادری، 1394) چرا که این هم پوشانی، جایگزین مناسبی برای داعشی است که اعتقاد به پدیده دولت - ملت کلاسیک و جغرافیای مرزی قرن بیستمی ندارد. در این جا است که رهبران داعش از ژئوپلیتیک مذهب (Religepolitics) به مثابه یک انگیزه برای بسیج عمومی استفاده می‌کنند زیرا برای توده‌ها، مذهب به مثابه فرار از واقعیت خشن زندگی روزانه و نوید صلح به جای جنگ است.

در این راستا داعش توانسته است خود را به صورت یک واحد جغرافیایی در منطقه شمال عراق و سوریه در کنار مرزهای ترکیه، تثبیت کند. ظهور این پدیده، چالش‌های ژئوپلیتیکی را در منطقه مزوپوتامیا به وجود آورده که اهم آن به شرح زیر می‌باشد:

- توازن ساختارهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای را دچار چالش کرده است؛
- جغرافیای جمعیتی مزوپوتامیا را به هم ریخته است؛
- باعث تشکیل دیاسپوراهایی شده است که در آینده نزدیک بر ساختارهای فکری و مرزبندی عقیدتی منطقه تأثیرگذار است؛
- دو قطبی شیعه - سنی را در خاورمیانه تقویت کرده است؛
- علاوه بر کارگزاری ژئوپلیتیکی خود، موجد کارگزاری کردهای سوریه شده است؛
- باعث صف‌گیری‌های ژئوپلیتیکی جدیدی در ساختارهای ژئوپلیتیکی مستقر



در منطقه شده است؛

- باعث ظهور تعارضات هویتی در منطقه شده است؛

- مقدمات و محذوراتی را برای بازیگران ژئوپلیتیکی منطقه فراهم آورده

است. (عبداله پور و دیانت، 1395:93)

بنابراین داعش به عنوان یک ابزار تغییر ژئوپلیتیکی نه تنها در راستای اهداف میدان‌های منطقه‌ای، بلکه یک عامل مهم بی‌نظمی در خاورمیانه برای میدان‌های فرامنطقه‌ای نیز محسوب می‌گردد. از سوی دیگر، پیدایش داعش به تعمیق سه شکاف گفتمانی به شرح زیر منجر شده است:

- شیعی و سنی: استراتژی زرقاوی بر این بود که جهان اهل سنت در یک خمودگی فرو رفته است بنابراین با درگیر کردن شیعیان و ورود آنها به جنگ، زمینه احیای جوانان اهل سنت فراهم می‌شود که آنان در نهایت، برنده نهایی نیز خواهند بود. در واقع، مساله «دگر سنی و شیعی» است. حضور آیت الله سیستانی در عراق اجازه چنین تفکر و پیشروی را نداد. القاعده نیز با این تفکر مخالف است. اما عربستان به دنبال چنین چیزی است.

- اسلام و کفر: این شکاف هم در داعش و هم در میان برخی از متفکران جهان اسلام وجود دارد. در واقع، قرار دادن اسلام در مقابل کفر است. کفر به معنی غیر مسلمان در نظر گرفته می‌شود.

- خشونت و رحمانیت: یک گفتمان خشونت‌گرایی و یک گفتمان رحمانی وجود دارد. این دو، مقابل یکدیگر هستند. این شکاف، موجب منزوی شدن داعش در جهان اهل سنت می‌شود. همچنین باعث می‌شود بسیاری از کشورها گرایش به گفتمان رحمانی داشته باشند و از آن حمایت کنند. این موجب می‌شود داعش، گروه منفوری در جهان اسلام و در کل نظام بین‌الملل شود. گروه تکفیری را باید از جهان اسلام و اهل سنت جدا کرد. این شکاف میسر بوده و می‌توان به آن توجه کرد. (یزدان فام، 1395)



داعش و دیاسپورا

«دیاسپورای عرب مسلمان» یکی از عوامل نضج اندیشه و تفکرات داعش و به جلو بردن آن بوده است. با نگاهی به افراد ملحق شده به داعش از کشورهای اروپایی یا خارج از خاورمیانه می‌توان به اهمیت عامل دیاسپورا در دو بعد تئوریک و پراتیک (نظری و عملی) در پیشبرد آمال داعش اشاره کرد. (حاتمی، 1396) ماوارودی، دیاسپورا را به عنوان یک فرآیند برای ساختن یا تخریب مرزها می‌داند. (Mavarody, 2007: 470) شرکت گوگل در گزارش خود که در فوریه سال 2016، منتشر کرد نشان داد که بیش از 50 هزار نفر در هر روز جمله «پیوند با داعش» را جست‌وجو کرده‌اند و این موضوع نشان‌دهنده استفاده قوی داعش از رسانه‌های اجتماعی و قابلیت‌های مجازی است؛ موضوعی که مرکز رسانه‌ای داعش یعنی «الحیات»، آن را هدایت، مدیریت، تولید و توزیع می‌نماید. (Berrada and Boudier, 2016: 2-13) بنابراین رسانه‌های مجازی، اصلی‌ترین عامل نضج تفکرات داعش و پیوستن نیروهای عرب مسلمان از غرب می‌باشند. همان‌طور که هاسکینز می‌گوید، می‌توان از دیاسپورا با عنوان یک دکترین مذهبی نام برد (Hoskins, 2011) چرا که دیاسپورا، حس نوستالژیک مذهبی را تقویت می‌کند. از سوی دیگر باید عنوان کرد که ناسیونالیسم در دیاسپورا صورت می‌گیرد و جوامع دیاسپورا تأثیر زیادی روی گفتمان و سیاست‌های سرزمینی می‌گذارند. (عبداله‌پور، 1393: 54) دیاسپورا فرصت‌های زیادی را برای جامعه دیاسپوریک قرار می‌دهد به طوری که افراد دیاسپورا با استفاده از فناوری در گفتمان ملی شرکت می‌نمایند. این شرکت از طریق اینترنت و ابزارهای آن مانند ایمیل، وب سایت و ... نهادینه می‌شود. بر طبق تحقیقات، اصلی‌ترین و مهم‌ترین عنصر داعش برای استخدام نیروهای دیاسپورا، ابزار مجازی بوده است. بنابراین آنها از این طریق در خلق یک گفتمان ملی گرا سهیم می‌شوند. «وکتوریا برنل» به تأثیرات متقابل دیاسپورا، فضای مجازی و تصویرسازی اشاره می‌کند. او به استفاده از فضای مجازی برای تئوریزه کردن



راه‌های فراملی‌گرایانه و رسانه‌های جدید وابسته به خیزش اشکال جدیدی از اجتماع (community)، حوزه‌های عمومی (public sphere) و جایگاه‌های تولیدات فرهنگی اشاره می‌کند. همچنین از اینترنت به عنوان یک ابزار اساسی برای استقلال ملی یاد می‌کند که درگیر با هویت، دموکراسی، فرهنگ و تاریخ جوامع دیاسپورا است. (Bernel, 2006:161-179) بنابراین رویکرد اصلی دیاسپورا تمرکز خود را روی هویت جمعی قرار می‌دهد. (Bauboker, 2004:21) از سوی دیگر، افراد در دیاسپورا به عنوان یک بازیکن مجازی در یک بازی مرگبار عمل می‌کنند. اگرچه جوامع دیاسپورا از خطرات سرزمین اصلی آگاه نیستند، در اینجا دو گروه مختلف در داخل و دیاسپورا، دستور کارهای متفاوتی دارند. «جول دیمرز» اشاره می‌کند که گروه داخل سرزمین اصلی، تجربه، ترس، گرسنگی، فشار روانی و درد را می‌فهمد همان‌طور که از لحاظ جسمی نیز درگیر ستیز و تعارض است. در همین حال، گروه دیاسپورا، احساس، خشم و از خود بیگانگی را درک می‌کند. (Dimmers, 2002) این تفاوت‌ها بر نگرش هر دو گروه تأثیر دارد، بنابراین اهداف دو گروه متفاوت است. اما با توجه به درجه بالایی از ارتباط، نسبتی معنادار در هدف بین آنها وجود دارد. مناطق و سرزمین‌های دیاسپورا باید در چند گام مورد ارزیابی قرار گیرند. نخست در کشور میزبان که پیوند اجتماع دیاسپورا، نقش مهمی ایفا می‌کند. سپس در کشور یا سرزمین مبدأ که یک قطب جاذبه (Pole of Attraction) از طریق حافظه به وجود می‌آید. در نهایت این که از طریق سیستم رابطه‌ای در فضای شبکه‌ای است که این قطب‌های مختلف به یکدیگر متصل می‌شوند. (Cohen 1997; Sheffer 2003) به علاوه، درجه‌ای از آسیب‌پذیری در کشورهای دارای جوامع دیاسپوریک وجود دارد. این آسیب‌پذیری، ناشی از ابتدای این دولت‌ها بر پایه‌های ایدئولوژیک است. دیاسپورا و دیاسپوراها، ملت‌های رها شده‌ای هستند که درصدد بازخوانش دوباره فضا در اشکال جدید می‌باشند. دیاسپوراها در جایی بین دولت - ملت‌ها و فرهنگ‌های مهاجرتی قرار گرفته‌اند که



شامل سکونت در یک دولت - ملت و در یک مفهوم فیزیکی هستند، اما مهاجرت در یک حس معنوی که در فراسوی فضای دولت - ملت و زمان قرار دارد. (Cohen, 1997:135-6) دیاسپوراهای معاصر نیز به مثابه موقعیت‌های فراسوی زمان - فضا و فراتر از شیوه‌های واقع شده مکانی و تجارب تاریخی زندگی قرار دارند. (Mitchell, 1997:534) به علاوه باید عنوان کرد که دینامیزم جوامع دیاسپوریک در چهار سطح محلی،¹ ملی،² منطقه‌ای³ و بین‌المللی⁴ قابل تحلیل و بررسی است و این همان چیزی است که «ناسیونالیسم از دور»⁵ یا درنوردیدن جغرافیا و فضا در دیاسپورا نامیده می‌شود. (عبداله پور، پیشین: 76)

دینامیزم سطوح جامعه دیاسپوریک در تقویت داعش و شبکه سازی آن

سطوح	مصادیق	کارکرد
محلی	عشایر عراق و سوریه (آل جبور، شمر و غیره)	پیاده نظام داعش، تولید عصبیت، قلمروخواهی و تعدی به سایر اقوام
ملی	اعراب سنی ساکن در مناطق تلفیقی و نمایندگان عرب سنی در پارلمان	تبلیغات به نفع اعراب سنی، تعمیق فقر حکمرانی ساختار شیعی
منطقه‌ای	کشورهای غرب آسیا و قفقاز	پیاده نظام، شبکه‌سازی
بین‌المللی	نیروهای جذب شده در آمریکا، اروپا و استرالیا	شبکه‌سازی، تروریسم بین‌الملل، ناامن نمودن فضای کشورهای غربی

آمارها نشان می‌دهد که نیمی از اعضای داعش به کشورهای خود برگشته‌اند. البته «جیمز کومی»، رئیس اف بی ای از دیاسپورای تروریسم به عنوان یک خطر برای غرب یاد کرد. (Comey, Sept.27, 2016) بنابراین در خصوص تأثیر دیاسپورا بر دولت‌های میزبان نیز باید عنوان کرد که فراسوی ضریب نفوذ در سیاست‌های سرزمین اصلی، جوامع دیاسپورا، سیاست‌های کشور خود را نیز تحت تأثیر قرار

1. National
2. National
3. Regional
4. International
5. Long – Distance Nationalism

تروریسم داعش

ساختار، اعضا، منابع و قابلیت‌های رسیدن به اهداف یک سازمان تروریستی و مدل‌های نوظهور این سازمان‌ها، بخش مهمی از تحلیل گروه‌های تروریستی می‌باشد. تصاویر عمومی عملیات گروه‌های تروریستی در مطابقت با دستور کارها و انگیزه‌های سیاسی با ایدئولوژی‌های متفاوت می‌باشد. مادامی که بسیاری از سازمان‌های تروریستی گستره جهان‌شمول نداشته باشند، تهدیدات گروه‌های تروریستی تکفیری و داعش، پیوستگی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دارد و لذا این پیوستگی‌های شبکه‌ای، قابلیت‌های فراوانی را به این گروه‌ها اعطا می‌کند. در این نگاه، به طور روز افزونی باید شاهد تیمهای کوچک و شبکه‌ای با افراد منزوی و تنها بود. از یک چشم‌انداز عملیاتی می‌توان این فرآیند را «اهداف خرد با تاثیرات خرد»¹ نامید.

در ساختار حمایتی گروه‌های تروریستی می‌توان به چهار مؤلفه رهبران، کادرها، حامیان فعال و حامیان غیرفعال با کارکردهای خاص اشاره کرد. رهبران، تعیین مستقیم سیاست‌های خرد و کلان سازمان را بر عهده دارند. کادرها اعضای فعال سازمان‌های تروریستی هستند. این کادرها نه تنها هدایت عملیات‌ها، بلکه کنترل قلمرو اطلاعاتی، مالی، پشتیبانی، تبلیغات و ارتباطات را بر عهده دارند. کادرهای سطوح میانی، وظیفه آموزش مانند آموزش ایدئولوژیک و ساختن مواد منفجره و... را بر عهده دارند. کادرهای سطوح پایین‌تر، تروریست‌های عمل مستقیم و انتحاری هستند. حامیان فعال در مسایل سیاسی - ایدئولوژیک و مالی فعال هستند و علاوه بر انجام کارکرد کادرهای فعال، خانه‌های امن، توزیع مالی، کمک‌های پزشکی و انتقال نیرو برای اعضای سازمان را انجام می‌دهند. حامیان

1. Micro Targets And Micro Impact



غیرفعال معمولاً افراد یا گروه‌های هستند که با سیاست‌های سازمان تروریستی احساس همدردی دارند اما متعهد به نقش فعال در فعالیت‌های تروریستی نیستند. همچنین آنها در ارتباط با اهداف فرعی و اصلی این سازمان‌ها نیستند.

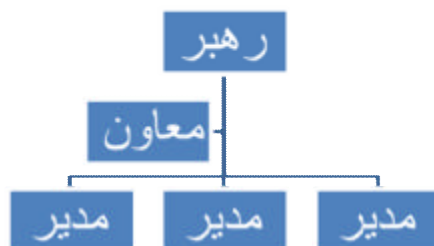
در خصوص مدل‌های گروه‌های تروریستی یعنی سلسله مراتبی و شبکه‌ای و تغییر آنها به یکدیگر باید عنوان نمود که سلول¹ کوچک‌ترین عنصر سطوح تاکتیکی سازمان‌های تروریستی را تشکیل می‌دهد. یکی از دلایل اصلی تشکیل سلول، مسائل امنیتی است و با این نگاه است که هویت، موقعیت و اقدامات سلول‌ها از یکدیگر، مخفی و در نتیجه، رسوخ به سطوح سازمان تروریستی غیر ممکن می‌شود. (Reich, 1998) تروریست‌ها ممکن است سلول‌ها را بر پایه نسبت فAMILI یا کارگری سازماندهی کنند. رهبر سلول، تنها کسی است که با سطوح بالاتر سلول‌ها ارتباط دارد. البته گروه‌های تروریستی ممکن است یک سلول یا شکلی از چندین سلول را در یک منطقه خاص محلی، منطقه‌ای یا بین‌المللی به کار گیرند. (Shapiro, 2013:13)

ساختار سلسله مراتبی، زنجیره عمودی از دستورها، کنترل و پاسخگویی است. جریان اطلاعات و اخبار از بالا به پایین، سرریز و کانال‌های سازمانی با زنجیره عمودی مطابقت دارند. سیمای سازمان‌های سلسله مراتبی و کارکرد آنها در اطاعت و انقیاد سلول‌ها در اطلاعات، عملیات و لجستیک است. معمولاً تنها رهبران سلول در خصوص تماس با سلول‌های دیگر، دانش و اطلاعات کافی را باید داشته باشند. در ساختار شبکه‌ای، تروریست‌ها به شکل دائم‌التزایدی از سیستم‌های شبکه‌ای نسبت به تجارب قبلی خود استفاده می‌کنند. این سیستم‌ها مبتنی بر انگیزه‌های مذهبی است که البته فاقد سیاستهای ملی یا سیاسی است. این شیوه، نیاز کمی به اقدام و برنامه‌های متناسب با ساختار سلسله مراتبی دارد و به جای آن، تنوعی از موقعیت‌ها را برای افراد یا گروه‌ها فراهم می‌آورد. در

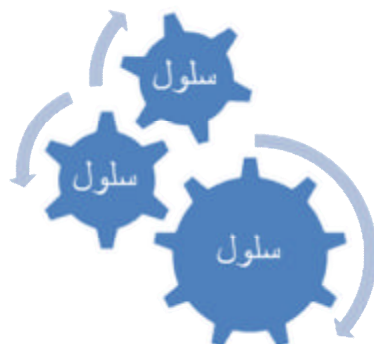
1. Cells

مهم‌ترین مؤلفه اثربخشی سازمان‌های شبکه‌ای باید به یک مورد حیاتی؛ یعنی «شبکه» اشاره کرد. وقتی که سلول‌ها یک ایدئولوژی یکپارچه، اهداف مشترک یا منافع متقابل را بین خود تقسیم می‌کنند، اثربخشی سازمانی درازمدت را به دست می‌آورند. (Arquilla & Ronfeldt, 2001:9) بنابراین اگر یک سلول نتواند بین سلول‌های دیگر هم‌افزایی ایدئولوژیک ایجاد کند، دسترسی به اهداف مشترک سازمان با مشکل مواجه می‌شود. شبکه‌ها به طور کلی، پاسخگویی عملیات‌ها و برنامه‌ها را برای افزایش عملکردهای مهم، توزیع و پخش می‌کنند. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این موضوع است که شبکه‌ها لزوماً به تکولوژی مدرن وابسته نیستند چرا که برای اجتناب از شنود یا کشف اطلاعات، گاهی از روش‌های سنتی یا رودر رو استفاده می‌کنند، همان کاری که داعش در شهرهای فلوجه و رمادی در آغاز پیدایش خود انجام داد.

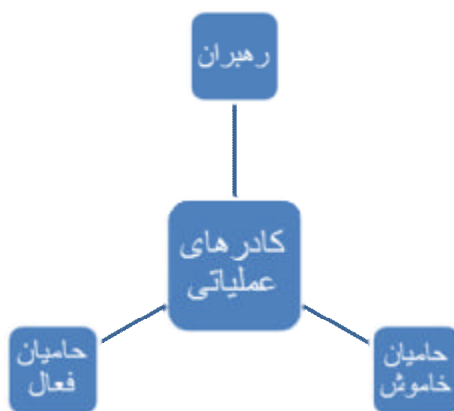
نمودار ساختار سلسله مراتبی



نمودار ساختار شبکه‌ای



ساختار حمایتی گروه‌های تروریستی



نتیجه‌گیری

قبض و بسط، حیات و ممات و صعود و افول سازمان‌های تروریستی، نیاز به تحلیل مدل‌های شکل‌گیری این گروه‌ها دارد که تابع زمان، فضا و مکان است. شیخ تروریسم تکفیری داعش، بالغ بر چهار سال بر مناطق عربی خاورمیانه، سایه افکنده و گسل‌های عمیق قومی و مذهبی را به‌وجود آورده است. جریان‌های تکفیری در خاورمیانه به دلایل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همواره در حال تولید و بازتولید می‌باشند. بنابراین باید در آینده نیز شاهد مدل‌های دیگری از اقدامات و تشکیل گروه‌های تروریستی در لوای اندیشه‌های واپس‌گرا بود. با شکست داعش در عراق و سوریه می‌توان پایان موجودیتی به نام داعش را در خاورمیانه اعلام کرد اما پایان داعش، پایان دوران تروریسم سلسله‌مراتبی و آغاز دوران تروریسم شبکه‌ای است. این آغاز، دو دقیقه مهم دارد. در بعد داخلی، داعش علاوه بر در هم ریختن جغرافیای جمعیتی مزوپوتامیا، باعث تقویت دو قطبی شیعه - سنی و ظهور تعارضات هویتی شده است لذا بعید است چرخه فضای تعارض که از تفاوت به تناقض و از قطبی شدن و خشونت به جنگ رسیده است، مسیر خود را به آتش‌بس، توافق، عادی‌سازی و در نهایت به آشتی بین مذاهب و اقوام، حداقل در



کوتاه مدت تغییر دهد. جنگجویان داعش به طور کلی دو دسته‌اند: نخست، اعراب سنی در عراق که همیشه و در هر حالتی، غیریت شیعیان و کردها می‌باشند و در آینده تعارضات مذهبی - قومی عراق با داعش و بی‌داعش حضور دارند و دسته دوم، خارجی‌های داعش هستند که با شکست در عراق، شبکه‌های ترور را برای جذب طرفدار و اقدامات تروریستی فعال می‌کنند. به عبارتی، «داعش عراق - سوریه محور» را تبدیل به «داعش خاورمیانه محور» ولی با اقدامات سلولی و شبکه‌ای می‌کنند. این اقدام با توجه به ضعف امنیتی کشورهای عرب منطقه، در راستای منافع سرویس‌های امنیتی غربی به ویژه «سی.آی.ای.» و «موساد» خواهد بود. اما تفکر داعشی با از میان رفتن داعش از بین نخواهد رفت چرا که ذائقه تعارض دین-قومی، متأسفانه در عراق و مناطق تحت تصرف سابق داعش ریشه دوانیده و کشورهای شیخ‌نشین نیز از دل داعش، فرصت‌های تعارض میز جدیدی را برای بحران‌آفرینی در مناطق عراق و شامات استخراج می‌کنند. البته داعش، این سیاست را در سالیان اخیر اعمال کرده است. داعش با مفصل‌بندی مجموعه‌ای از گزاره‌های هویتی عنصر عرب سنی، خود را به عنوان نماینده پان عربیسم سنی در منطقه خاورمیانه، مطرح کرد که برخی ساختارها و عشایر عرب سنی نیز ولو به صورت دوفاکتو، آن را تقویت کرده‌اند. داعش که محصول القاعده است در حالی در نواحی مرکزی و شرقی سوریه و هم مرز با عراق، سرزمین شمال دره فرات و عرب سنی اعلام موجودیت کرد که دیگری برای القاعده، «غرب» است. داعش، هدف اصلی خود را حذف عنصر شیعی در منطقه و سپس رویارویی با غرب و اسرائیل می‌داند. داعش با نگاهی ساختار شکن نسبت به مدل کلاسیک گروه‌های سلفی و القاعده‌ای، کلیت قلمرو سنی خاورمیانه را به عنوان منطقه هدف خود قرار داده است. تحولات منطقه خاورمیانه بدون درک ملاحظات ناشی از تغییرات ژئوپلیتیکی آن میسر نخواهد بود و این تغییرات ریشه در ظهور داعش دارد. گروه تروریستی داعش، تفاوت اندکی از حیث ایدئولوژیکی، تفاوتی اندک اما از حیث



جغرافیایی، تفاوت عمده‌ای با سایر گروه‌های رادیکال دارد. در حالی که گروه‌های تروریستی نظیر القاعده، آرزومند سلطه سرزمینی مؤثر هستند، داعش توانست خودش را به عنوان یک بازیگر ژئوپلیتیک تعریف کند که نواحی مشخصی از دو کشور عراق و سوریه را در کنترل خود داشت و این موضوع در کنار برخورداری از قدرت جذب نیروهای متفرق چریکی و بهره‌مندی از تشکیلات و ساختار تروریستی در منطقه بود.

به رغم موجودیت جدید داعش، طبیعت سرزمینی آن سبب شده است تا نتوان آن را نادیده گرفت و در نتیجه، دولت‌ها مجبور به بازیابی سیاست‌ها و روابطشان با یکدیگر شده‌اند. در این وضعیت، عراق و سوریه تنها طرف‌هایی نیستند که مجبور به برخورد و مقابله با داعش هستند بلکه سایر قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه، ایران و عربستان نیز نیازمند ارزیابی مواضع خود در این زمینه هستند چرا که داعش به عنوان یک سازمان تروریستی می‌تواند زمینه اغتشاش و آشوب منطقه‌ای را فراهم ساخته و بقای خود را در این فضا بهتر تأمین کند. در نتیجه، بقای ژئوپلیتیکی داعش دربردارنده چالش‌های ژئوپلیتیکی برای سایرین خواهد بود. داعش که در کشورهای عراق و سوریه خود را نماینده جمعیت اهل تسنن معرفی کرده، توانسته است ژئوپلیتیک منطقه را تغییر داده و خود را به صورت یک واحد جغرافیایی در منطقه شمال عراق و سوریه عرضه کند. ظهور این پدیده، چالش‌های ژئوپلیتیکی را در منطقه مزوپوتامیا به وجود آورده است. به رغم شکست داعش در منطقه مزوپوتامیا، تقویت دو قطبی شیعه - سنی و کرد - عرب، بستری را برای فضاهای تجزیه شده در آینده منطقه به وجود آورده که بر شکاف‌های قومی و مذهبی استوار شده است.

اما در بعد خارجی، غرب به نهادهایی چون داعش نیاز دارد زیرا که سیاست‌های خاورمیانه‌ای غرب روی گسل‌های قومی - مذهبی خاورمیانه و در راستای منافع خود استوار است؛ منافی که متأسفانه دول خاورمیانه‌ای و افکار فئاتیک -



تئوکراتیک - الیگارشیک نیز بر طبل آن می‌کوبند. بودجه چند تریلیارد دلاری دولت ترامپ نیاز به شورش‌های قومی - مذهبی در خاورمیانه و فروش تسلیحات به واحدهای فرتوت جغرافیایی آن دارد و اسرائیل در این راستا، نقشی متعین در پازل دارد. در پایان باید گفت پایان داعش نظامی، آغازی بر تشکیل فرقه‌های جدید قومی - دینی داعش مآب در ذیل داعش امنیتی و شبکه‌ای خواهد بود.



منابع و مأخذ

- عبدالهپور، محمدرضا و قادری، رحیم (1394)، سوژگی ژوپلیتیک حزب کارگران کردستان ترکیه در بین‌النهرین شمالی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، زمستان 94
- عبدالهپور، محمدرضا (1396)، همه‌پرسی استقلال کردستان عراق، برندسازی ژئوپلیتیک، همشهری دیپلماتیک، تیر و مرداد.
- اکبری، جواد (1395)، چگونگی نقش‌آفرینی داعش در مناسبات سیاسی خاورمیانه، جستارهای سیاسی معاصر، بهار 1395

- Anderson, Benedict (1983), *Imagined Communities: Reflections on the Origins and Spread of Nationalism*. London: Verso.
- Anderson, Benedict (1992b) *Long-distance Nationalism: World Capitalism and the Rise of Identity Politics*. Wertheim Lecture: University of Amsterdam.
- Bernal. V. (2004), 'Eritrea goes global: reflections on nationalism in a transnational era', *Cultural Anthropology*, 19, 3-25.
- Bernel, V. (2006), *Diaspora , cyberspace & political imagination the Eriterian Diaspora on line , global network 6.2ISSN:1470-2266*
- Brenner, N. (1999), 'Globalisation as reterritorialisation: The re-scaling of urban governance in the European Union', *Urban Studies* 36 (3): 431-451.
- Brubaker, R. W. (2004), *Ethnicity without Groups*. Cambridge: Harvard University Press.
- Brynjar Lia (2015), "Understanding Jihadi Proto-States," *Perspective on Terrorism*, Vol. 9, No 4 (2015), pp. 31-41.
- CAROLYN C. JAMES. (2005), *Religion as a Factor in Ethnic Conflict: Kashmir and Indian Foreign Policy* Department of International Studies and Political Science, Stephens College, Columbia, MO, USA Department of Political Science, University of Missouri, Columbia, MO, USA
- Cohen, R. (1997), *Global Diasporas: An Introduction*. London: UCL Press.
- Comey, James (Sept.27, 2016), www.politico.com/story/2016/09/islamic-state-diaspora-james
- Demmers, J. (2007), "New Wars and Diasporas: Suggestions for Research and Policy." *Journal of Peace, Conflict and Development*, Vol. 11, 1-26.
- FPC Briefing: Daesh, Geopolitics and the Resurgence of Pan Arabism? Dr Simon Mabon and Lucia Ardovini, the forign polic center
- Hafez, Muhammed M. (2010), "Tacticts, Takfir, and anti-Muslim Violence", in Moghadam, Assaf and Fishman, Brian, *Self-Inflicted Wounds: Debates and Divisions Within al-Qa'ida and its Periphery*, (Combatting Terrorism Center at West Point: NY), Published: 2010-12-



16, p. 19-22.

- John Arquilla and David Ronfeldt, ed.(2001), Networks and Netwars (Santa Monica: RAND, 2001)
- Kenza BERRADA, Marie BOUDIER (2016), Can ISIS's cyber strategy really is thwarted? ESSEC BUSINESS SCHOOL
- Lund A. (2015), who are the Pro-Assad Militias?' Carnegie Endowment, 2 March 2015. www.carnegieendowment.org/syriaincrisis/?fa=59215. Accessed 16 June 2015.
- Mabon, Simon (2013), "The Middle Eastern great game", available at: <http://www.isn.ethz.ch>
- MAVROUDI, E., (2007), Diaspora as process: (de)constructing boundaries. Geography Compass, 1 (3), pp. 467-479
- O'Loughlin.J. (2013), Divided Space, Divided Attitudes? Comparing the Republics of Moldova andPridnestrovie (Transnistria) Using Simultaneous Surveys, Institute of Behavioral Science, EURASIAN GEOGRAPHY AND ECONOMICS VOL.54, NO.2,2013
- Shapiri, J. (2013), Organizing Terror: Hierarchy and Networks in Covert Organizations Preliminary draft; comments appreciated.
- Sheffer, G. (1995), 'The emergence of new ethno-national Diasporas', Migration 28: 5- 28.
- Sheffer, G. (2003), Diaspora Politics: At Home Abroad. Cambridge: Cambridge University Press.
- Sheffer, G. (ed.) (1986), Modern Diasporas in International Politics. London: Croom Helm.
- The New Middle East(2015), ISIL and the 6th Revolt Against the West MURAT YEŞILTAŞ and UNCAY KARDAŞ, Sakarya University, Turkey Insight Turkey Vol. 17 / No. 3 / 2015, pp. 65-83
- To see more discussion about the ISIL's apocalyptic vision of world politics, see William McCanty, The ISIS Apocalypse: The History, Strategy, and Domsday Vision of the Islamic State, St. Martin's Press (September,22,2015)
- Walter Reich, ed. (1998), Origins of Terrorism: Psychologies, Ideologies, Theologies, States of Mind, rev. ed. (Washington: Woodrow Wilson Center Press, 1998), 270-271.



